

# تعداد

### نیاز اقتصاد ایران

## شهرداری حساب و ویژه روی واگذاری دارایی‌های سرمایه و درآمدی شهرسازی کرده است بودجه انبساطی برای پایتخت ۱۴۰۱

صفحه ۵

صفحه ۳

### سقوط آزاد بورس به واسطه عملکرد مسوولان

# فرش سرخ زیر پای بورس

## حقیقی‌ها ۸۷ میلیارد تومان نقدینگی از بازار خارج کردند

صفحه ۴



### علاءالدین بروجردی: در حفظ و جذب سرمایه بی‌هنر بودیم!

## نگرانی منتقدان قرارداد ۲۵ ساله

صفحه ۵

### یادداشت - ۱

## سایه روشن‌های سند همکاری ۲۵ساله با چین

به طور کلی کشورها در حوزه مناسبات بین‌المللی به دنبال استیفای منافع ملی خود هستند. اساساً حوزه سیاست خارجی در کشورهای مختلف با این هدف تعریف شده که بتواند منافع ملی قلمروهای مختلف را در سطح جهانی احصا کند. طبیعی است ایران نیز از دل روابط با کشورهای مختلف به دنبال اهداف کلان مورد نظر خود است. به طور کلی در ایران دو گرایش کلی در حوزه سیاست خارجی وجود دارد. گروهی به دنبال بهبود مناسبات ارتباطی با جهان غرب هستند و معتقدند که با توجه به هم‌زمنی کشورهای غربی در عرصه‌های مختلف، مسیر توسعه و پیشرفت کشور از دل بهبود روابط با غرب می‌گذرد. دسته دیگری نیز هستند که کشورهای شرقی عبور می‌کنند. حکومت پهلوی راشاید بتواند نمونه برجسته تفکر آنی در نظر گرفت که غرب را قبیله آمل خود تصور می‌کرد. در برابر این رویکرد گروه‌های دیگری نیز در تاریخ معاصر کشورمان وجود داشته و همچنان نیز دارند که معتقدند مسیر رستگاری اقتصادی، ارتباطی و راهبردی ایران از شرق می‌گذرد. گروه‌های سیمات چپ، مارکسیست‌ها و طرفداران سوسیالیسم از جمله طرفداران این دیدگاه محسوب می‌شوند. مبتنی بر این تفکرات افراطی بود که جمهوری اسلامی از ابتدای تشکیل، شعار بی‌عنوان نه شرقی، نه غربی را مطرح کرد تا در بطن گریه‌های دوران جنگ سرگردان خود را مستقل و بدون وابستگی به قدرت‌های وقت معرفی کند. این رویکرد در سطح جهان بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی دچار تغییر شد. بعد از فروپاشی اتحاد جماهیر شوروی در سال‌های ابتدایی دهه ۹۰ میلادی، برخی اندیشمندان مانند فرانسویس کوکوما از پایان تاریخ سخن گفته و اعلام کردند که منظر سیاسی و تاریخی، جهان به پایان خود رسیده است و غرب به عنوان یگانه هم‌زمنی باقی مانده در جهان، دیگر رقیبی رویه‌روی خود نمی‌بیند. بنابراین تاریخ به انتها رسیده است. رویکردی که بسیاری از تحلیلگران از همان آغاز، آن را بی‌اساس و بدون بنیاد می‌دانند و واقعی دانستند. در این برهه برخی از تحلیلگران هوشمند اعلام می‌کنند که جهان ایستادن تحولات تازه است که در دهه‌های آینده مسیر تازه‌ای را برای تاریخ تسیم خواهد کرد. گذشت این‌ها نیز نشان داد که تنها هنگامه پایان تاریخ از راه نرسیده، بلکه بازیگران جدیدی قرار است در عرصه جهانی ظهور کرده و در شمال یک رقیب جدی برای هم‌زمنی امریکایی ایجاد می‌کنند. این منظر تاریخی متفکرانه، نظریه‌هایی را در خصوص حرکت تاریخی جهان ارائه می‌کند. هرگاه معتقد است که حرکت تاریخی جهان، نمادی از حرکت وضعی زمین است. یعنی همان طور که آغاز تمدن بشری در خاورمیانه (ایران، مصر، بابل و...) شکل گرفت و با گام بعدی ای‌های تمدنی در غرب ایجاد شد. در هر حلقه‌ای نیز هم‌زمنی تمدنی در شرق آسیا شکل می‌گیرد و نه‌تنها این‌ها هم‌بازه‌های تمدنی به محل تولد خود در خاورمیانه و بین‌النهرین بازمی‌گردد. این رویکردی است که هرگاه نسبت به حرکت تمدنی تاریخ را در آن راهی شکل یک‌دایره‌ای تسیم می‌کنند و موقعیت‌های نظام بین‌الملل و تحولات تمدنی تسیم می‌دهند. برخلاف این تصور است که خصوص حرکت خطی تاریخ رو رسیده به نقطه پایان (مانند نظریه فوکویاما) به نظر می‌رسد که تاریخ در حرکتی دور در حال طی کردن مفاصل‌های گوناگون است. در میان این تحولات، ایران در سال‌های پس از پیروزی انقلاب اسلامی با استفاده از راهبردهای شرقی و نه غربی تلاش کرد تا رویکردی مختص به خود در عرصه جهانی داشته باشد. اما تحولات پس از جنگ جهانی دوم نشان داد که این سیاست قادر نیست منافع مورد نظر ایران را تامین کند. محمدجواد ظریف یکی از نخستین چهره‌هایی بود که تفسیر تازه‌ای از سیاست به نظر می‌آید. او نه غربی مبتنی بر تقویت روز آرایه و اعلام کرد، روی دیگر سکه سیاست نه شرقی و نه غربی را می‌توان بدین عنوان «هم شرقی، هم غربی» تعریف کرد. ظریف هوشمندی اعلام کرد که ایران باید تقویت توجهی از سیاست خارجی خود ایجاد کند و اجازه ندهد، یک بلوک قدرت خاص (شمال شرقی یا غربی) بر مناسبات ارتباطی کشور سيطرة پیدا کند. بر اساس این دکترین تازه بود که محمدجواد ظریف در عین حال که به دنبال بهبود مناسبات ارتباطی و اقتصادی با کشورهای غربی از دل برجام بود، تلاش می‌کرد تا اقدامات بلندمدت همکاری با چین و روسیه را نیز عملیاتی سازد. البته برخی گروه‌های تندروی داخلی نسبت به این تفسیر تازه موضع گیری‌های تندی کردند و خواستار توجه صرف به تصمیم‌سازان کشور به کشورهای شرقی شدند و نسبت به ارتباط با کشورهای غربی حساسیت‌های فراوانی از خود نشان دادند. بعد از خروج ترامپ از برجام، ایران به طور طبیعی مناسبات نزدیک‌تری را با چین و روسیه ایجاد کرد. از سوی دیگر، برنامه‌ریزی چین برای اجرای ایده یک کمربند یک جاده، و همچنین از نظر قیمتی طی ۱۸ ماه اخیر به ارقام بسیار جذابی رسیده‌اند. بنابراین، از نظر پارامترهای درون‌زای بازار مشکل بنیادی وجود ندارد و صنایع بسیار جذابی از جمله فلزات اساسی، پتروشیمی و پالایشی و بانک‌ها در بازار سرمایه حضور دارند که می‌توانند مقصد سرمایه‌گذاری قرار بگیرند.

یادداشت - ۲

### یادداشت - ۲

## سیاست‌های داخلی و تعامل با جهان

تجربه سال‌های گذشته به خوبی نشان داده که اقتصاد ایران ظرفیت‌های خوبی برای حضور در عرصه‌های بین‌المللی دارد اما اینکه با چقدر توانسته‌ایم از این ظرفیت‌ها استفاده کنیم، نیاز به آسیب‌شناسی و بررسی‌های گسترده‌تر دارد. تجربه دوره برجام و پس از آن باید بسیار برای ما مهم و حیاتی باشد. در دوره اجرای برجام، جلسات مختلفی با شرکت‌های خارجی برگزار شد و بسیاری از آنها وعده‌های فراوانی برای حضور در ایران دادند اما در عمل وقتی نخستین تهدیدها برای تحریم‌های جدید مطرح شد، بسیاری از آنها ایران را ترک کردند. در چنین شرایطی بود که دوره کوتاه رشد اقتصادی قابل توجه، با رکود تومری جدید جایگزین شد و اقتصاد ایران از این محل بسیار آسیب دید. با این وجود ما در حوزه صادرات توانستیم آمارهایی را به ثبت برسانیم که با توجه به محدودیت‌ها، قابل قبول بود. یکی از درس‌هایی که این مدت برای ما داشته نقش و سهم بخش خصوصی چه در دور زدن تحریم‌ها و چه در تامین نیازهای ارزی کشور بوده است. صادرکنندگان غیر نفتی با وجود آنکه تحت تاثیر تحریم‌ها، هزینه مضاعفی را متحمل شده‌اند اما در عین حال توانسته‌اند از راه کشورهای گوناگون و در اختیار واردکنندگان قرار دهند. این موضوع باید برای دولت این نتیجه را داشته باشد که هرچاه بخش خصوصی اعتماد شده، نتیجه موفقیت‌آمیز بوده و باید در این عرصه برای افزایش قدرت بخش خصوصی برنامه‌ریزی شود.

یادداشت - ۳

### یادداشت - ۳

## نسبی‌گرایی یا قطعیت

به نظر من موضوع انتصاب برخی افراد غیر متخصص در حوزه‌های کاملاً تخصصی اقتصادی و راهبردی، مسأله‌ای فراتر از یک شخص و یک گروه خاص، بلکه موقله‌ای است که به طور مستقیم با روند توسعه کشور در ارتباط است. بررسی تحلیلی مسیر توسعه در کشورهای مختلف نشان می‌دهد، یکی از مهم‌ترین المان‌ها برای تحقق پیشرفت پایدار جامع، اصل شایسته‌سالاری و استفاده از رویکردهای علمی و تخصصی در امور مختلف است. بر اساس این دکترین کلی، حضور افراد متخصص در حوزه‌های مختلف، کمک می‌کند تا کشورها از گرفتار شدن در گرداب‌های پایان‌ناپذیر آزمون و خطا‌هایی پیدا کنند. اساساً این ویژگی علم است که تصمیم‌سازان را به مرزهای قطعیت نزدیک می‌سازد و آنها را از ورطه نسبی‌گرایی دور می‌سازد. علم بعد از آزمون و خطاهای لازم، حکم می‌کند که ۲ ضرب در ۲ می‌شود چهار. وقتی موضوع که دو دو تا چند می‌شود، یعنی صورت گیرد این معادله در هر زمان و هر مکانی به همین شکل ظهور پیدا می‌کند. کسانی که به رویکردهای علمی تسلط دارند و در عین حال تخصص و تجار لازم را نیز کسب کرده‌اند، برای اجرای امورات مختلف نیازی به آزمون و خطا ندارند. (حداقل کمتر دارند) اما در نقطه مقابل افراد و جزئیاتی که بدون تجربه، دانش و تخصص، سکان هدایت بخش‌های مختلف را به دست می‌گیرند، به دلیل عدم تسلط در موضوعات تخصصی، مسائل را کاملاً نسبی می‌بینند و مدام در مرحله آزمون و خطا قرار دارند. بنابراین انتقاد از حضور افراد غیر متخصص در راس هرم مدیریتی نهادهای کلیدی، انتقاد از فرد یا شخص خاصی نیست، بلکه انتقاد از رویکردی است که اقتصاد و مدیریت کشور را از مسیر توسعه پایدار منحرف می‌سازد. وقتی مدیری تسلط لازم در حوزه فعالیت مورد نظر را نداشته باشد، قادر به اعمال نظرات قانونی نیست. در اکثر مواقع این دسته از مدیران تحت تاثیر معاونان و مشاورانی قرار می‌گیرند که بر خلاف مدیر مورد نظر به موضوع تسلط دارند و تلاش می‌کنند تصمیم‌سازان را با ارزش افزوده خود برنامه‌ریزی و هدایت کنند. بسیاری از تخلفات بزرگ اقتصادی کشور طی سال‌ها و دهه‌های گذشته ناشی از استقار یک چنین ساختار اشتباهی بوده است. مدیری برای پست خاصی انتخاب می‌شود، در حالی که تخصص و تجربه لازم در حوزه مورد بحث را ندارد. در مرحله بعد، معاونان و مشاورانی سکان هدایت شرکت، وزارتخانه یا سازمان مورد نظر را به دست می‌گیرند که با هدف سوداگری در این مسیر وارد شده‌اند. واقع آن است که بخش‌های کلان اقتصادی به‌طور کلی از پیچیدگی‌های فراوانی برخوردار هستند.

یادداشت - ۴

### یادداشت - ۴

## تاثیر کاهش نرخ بهره‌وری بازار

مشخص نبودن پارامترهایی همچون مذاکرات و قطعیت شدن بودجه، از جمله موانع مهمی است که بر بازار سرمایه تاثیر گذار است. این دو مولفه تعیین‌کننده پارامترهای دلار، نرخ افزایش معادن، نرخ خوراک پالایشگاه‌ها و پوشش هاونرژری و... هستند. در بودجه‌دهی به بخش‌های مختلف، هرچه شدت کاهش نرخ بهره‌وری بازار، هرچه شدت کاهش نرخ سرمایه‌گذاری، هرچه شدت کاهش نرخ تولید مسکن و ساختمان در بی‌ثباتی شاخص‌های کلان اقتصادی ریشه دارد. اگر چه لغو تحریم‌ها شرط لازم برای بازگشت نرخ به اقتصاد ایران است اما شرط کافی نیست و دستیابی به ثبات اقتصادی مستلزم اصلاح ساختارها و سیاست‌های اقتصادی دولت و همچنین صرف زمان است و در کوتاه‌مدت دست‌یافتنی نیست.

یادداشت - ۵

### یادداشت - ۵

## مجدد اعزازی

نخستین لایحه بودجه سه سالانه شهرداری در دوره جدید مدیریت شهری دیروز تقدیم پارلمان شهری پایتخت شد. این بودجه نسبت به بودجه اصلاح شده سال جاری، ۵۱ درصد رشد یافته و به ۵۷ هزار میلیارد تومان نزدیک شده است. رشد ۵۱ درصدی بودجه سال ۱۴۰۱ شهرداری تهران با توجه به تورم ۴۲.۴ درصدی موجود در اقتصاد کشور، به‌طور خالص حدود ۷.۶ درصد نسبت به قیمت‌های سال جاری «سبک» یا فته است. در عین حال، این بودجه نشانه‌ای از امیدواری مسوولان شهرداری نسبت به رفع دورسک سیستماتیک این رویکردهای اقتصاد ایران و تلاش برای حذف یک ریسک درونی قلمداد می‌شود. با توجه به اظهارات دیروز علیرضا زاکانی، شهردار تهران در صحن علنی شورای شهر، به نظر می‌رسد، تدوین کنندگان لایحه بودجه سال آتی تهران، هم‌نسبت به رفع تحریم‌ها هم‌نسبت به کنترل موتور ویروس کرونا و کشور و کم‌رنگ شدن نقش آن در مناسبات اقتصادی و اجتماعی خوش‌بین هستند. هم‌زمان تلاش خواهند کرد تا به گفته زاکانی «فصل» بسته در آموهای ناشی از ساخت و ساز را با عبور از طرح «تفصیلی» تهران باز کنند. به این ترتیب، به گمان بودجه‌ویسان شهرداری، این ریسک درون بخشش نیز از کار خواهد افتاد و بار دیگر، در آموهای حاصل از اعطای مجوز ساخت و ساز و فروش تراکم به سال‌های قبل از سال ۹۲ باز خواهد گشت. اگرچه خوش‌بینی بودجه‌ویسان شهرداری به رفع تحریم‌ها و بی‌اثری کرونا بودن، پشتوانه نیست و با توجه به مذاکرات در حال انجام در وین و همچنین شرایط مثبت ایجاد شده در پی واکنش‌های همگانی تحقق این دو هدف ممکن است، اما مسأله رشد ۷۳ درصدی در آموهای ناشی از ساخت و ساز در لایحه بودجه سال آتی تهران به سادگی میسر نخواهد بود و دست‌کم دو اشکال اساسی دارد. اول اینکه صدور مجوز و پروانه ساخت فراتر از طرح تفصیلی تهران در حکم خام‌فروشی «ففت» توسط دولت و کسب در آموهای به اصطلاح بادآورده است. نتیجه بلافصل تراکم‌فروشی، افزایش شدید قیمت زمین در پایتخت بوده و خواهد بود. در سال‌های گذشته بارها کارشناسان نسبت به شهرفروشی هشدار داده‌اند و مسوولان وقت شهرداری را تشویق به ایجاد در آموهای پایدار شهری کرده بودند. در آموهایی که پشتوانه قانونی نیز دارند، مانند اخذ عوارض سالانه از املاک به میزان یک درصد ارزش روز ملک یا اخذ عوارض تردد از برخی توله‌ها، پل‌ها یا بزرگراه‌ها که منجر به حذف تدهای غیر ضروری در شهر و سامان یافتن ترافیک نیز می‌شود. در این حال، رشد ۷۳ درصدی در آموهای ناشی از صدور پروانه ساخت فراتر از مقررات اعلامی در طرح تفصیلی تهران یا یک «مانع» جدی رو به روست و آن اینکه حال و روز ساخت و ساز در

یادداشت - ۶

### یادداشت - ۶

## غلامرضا مریحی

به نظر من موضوع انتصاب برخی افراد غیر متخصص در حوزه‌های کاملاً تخصصی اقتصادی و راهبردی، مسأله‌ای فراتر از یک شخص و یک گروه خاص، بلکه موقله‌ای است که به طور مستقیم با روند توسعه کشور در ارتباط است. بررسی تحلیلی مسیر توسعه در کشورهای مختلف نشان می‌دهد، یکی از مهم‌ترین المان‌ها برای تحقق پیشرفت پایدار جامع، اصل شایسته‌سالاری و استفاده از رویکردهای علمی و تخصصی در امور مختلف است. بر اساس این دکترین کلی، حضور افراد متخصص در حوزه‌های مختلف، کمک می‌کند تا کشورها از گرفتار شدن در گرداب‌های پایان‌ناپذیر آزمون و خطا‌هایی پیدا کنند. اساساً این ویژگی علم است که تصمیم‌سازان را به مرزهای قطعیت نزدیک می‌سازد و آنها را از ورطه نسبی‌گرایی دور می‌سازد. علم بعد از آزمون و خطاهای لازم، حکم می‌کند که ۲ ضرب در ۲ می‌شود چهار. وقتی موضوع که دو دو تا چند می‌شود، یعنی صورت گیرد این معادله در هر زمان و هر مکانی به همین شکل ظهور پیدا می‌کند. کسانی که به رویکردهای علمی تسلط دارند و در عین حال تخصص و تجار لازم را نیز کسب کرده‌اند، برای اجرای امورات مختلف نیازی به آزمون و خطا ندارند. (حداقل کمتر دارند) اما در نقطه مقابل افراد و جزئیاتی که بدون تجربه، دانش و تخصص، سکان هدایت بخش‌های مختلف را به دست می‌گیرند، به دلیل عدم تسلط در موضوعات تخصصی، مسائل را کاملاً نسبی می‌بینند و مدام در مرحله آزمون و خطا قرار دارند. بنابراین انتقاد از حضور افراد غیر متخصص در راس هرم مدیریتی نهادهای کلیدی، انتقاد از فرد یا شخص خاصی نیست، بلکه انتقاد از رویکردی است که اقتصاد و مدیریت کشور را از مسیر توسعه پایدار منحرف می‌سازد. وقتی مدیری تسلط لازم در حوزه فعالیت مورد نظر را نداشته باشد، قادر به اعمال نظرات قانونی نیست. در اکثر مواقع این دسته از مدیران تحت تاثیر معاونان و مشاورانی قرار می‌گیرند که بر خلاف مدیر مورد نظر به موضوع تسلط دارند و تلاش می‌کنند تصمیم‌سازان را با ارزش افزوده خود برنامه‌ریزی و هدایت کنند. بسیاری از تخلفات بزرگ اقتصادی کشور طی سال‌ها و دهه‌های گذشته ناشی از استقار یک چنین ساختار اشتباهی بوده است. مدیری برای پست خاصی انتخاب می‌شود، در حالی که تخصص و تجربه لازم در حوزه مورد بحث را ندارد. در مرحله بعد، معاونان و مشاورانی سکان هدایت شرکت، وزارتخانه یا سازمان مورد نظر را به دست می‌گیرند که با هدف سوداگری در این مسیر وارد شده‌اند. واقع آن است که بخش‌های کلان اقتصادی به‌طور کلی از پیچیدگی‌های فراوانی برخوردار هستند.













